

یادداشت

پیمان مکه والگوهای امنیت منطقه‌ای

پیمان مکه همچنین به‌گونه‌ای زند میخ بر تابوت پیمان ابراهیم نیز تلقی می‌شود؛ زیرا قرار بود با پیوستن اسرائیل در ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه، راه عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی و عربی با اسرائیل هموار شود؛ اما جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران آشکار کرد که اسرائیل اساسا انگیزه و تمایلی برای دفاع از کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای مورد نظر ترامپ برای پیوستن به پیمان ابراهیم ندارد، بلکه حتی مقابله‌به‌مثل ایران هم در صورت بروز جنگ، زیرساخت‌های حیاتی این کشور را مورد تهدید قرار نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد اکنون برای عربستان آشکار شده باشد که پیوستن به پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل، نه‌فقط آورده‌ای ندارد، بلکه هزینه‌ها و خطر آن به مراتب بالاتر است. اما سؤال مهم‌تر آن است که پیمان جدید مکه آیا می‌تواند بالقوه یا بالفعل برای ایران نگران‌کننده باشد؟ پاسخ این پرسش به چگونگی روابط ایران و عربستان بستگی دارد؛ زیرا ممکن نمی‌رود دو کشور پاکستان و ترکیه، روابط دوستانه و همسایگی خود با ایران را وجه‌المصلاحه چنین پیمانی قرار دهند. عربستان نیز به نظر نمی‌رسد آماده افزایش تنش با ایران باشد، اما نباید فراموش کرد ایران با متحدان منطقه‌ای خود همچون حزب‌الله، انصارالله و گروه‌های عراقی و نیز حماس در یک پیمان منطقه‌ای قرار دارد و حمله به این گروه‌ها را حمله به خود تلقی می‌کند. اتفاقا گروه‌های عراقی و یعنی هم اینک درگیر تنش با عربستان هستند.

به نظر می‌رسد گفت‌وگوهای راهبردی کم‌هزینه‌تر از رویارویی نظامی است و گمان می‌رود هر سه کشور عضو پیمان در صورت افزایش تنش، رفتارهای تهاجمی را انتخاب نخواهند کرد. این کشورها احتمالا با بهره‌گیری از اهرم‌های سیاسی و اقتصادی یا مقابله‌به‌مثل از طریق گروه‌های نیابتی ممکن است واکنش نشان دهند و محتمل‌ترین سناریو در چنین فرضی، فراخوانی برای کاهش تنش و تشویق به گفت‌وگو خواهد بود؛ زیرا ممکن است بازدارندگی مورد نظر پیمان مکه از شکست عربستان جلوگیری کند، اما ثبات پایدار را برای عربستان محقق نمی‌کند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد پس از شکست راهبردی آمریکا و اسرائیل در جنگ با ایران، ظاهرا جمهوری اسلامی ایران تمایلی به ورود به ائتلاف‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای با محوریت دیگر کشورها یا آمریکا ندارد. الگوی امنیت منطقه‌ای ایران درون‌زا و خودتاکاست، به عبارت بهتر، ایران پس از برروزی‌های راهبردی تلاش می‌کند قدرت خود را به‌عنوان یک واقعیت انکار‌ناپذیر در منطقه تثبیت کند. بنابراین گمان می‌رود الگوی ایران برای بازسازی امنیت منطقه‌ای، تفاوت ریشه‌ای با پیمان مکه یا پیمان ابراهیم دارد، اما آیا این برای ایجاد یک نظام امنیتی جدید حداقل در حوزه خلیج فارس، قصد اعتمادسازی با این کشورها را دارد یا پیمان مکه را به‌عنوان مدل امنیتی رقیب در مقابل خود و متحدانش تعریف می‌کند؟ شاید پاسخ این پرسش به چگونگی پیشرفت مذاکرات و تفاهم‌نامه بستگی داشته باشد.

عربستان سعودی نیز همچنان تکلیف خود را با ایران روشن نکرده است. مثلا آیا گمان می‌کند که جتر امنیتی پیمان مکه می‌تواند به افزایش توان بازدارندگی این کشور منجر شود؟ آیا تنوع در منابع امنیتی و ایجاد شبکه‌های مشارکتی می‌تواند به ارتقای بازدارندگی این کشور کمک کند؟ آیا این کشور انتظار دارد دو کشور پاکستان و ترکیه در صورت افزایش تنش، بیشتر در وضعیت تهاجمی در دفاع از عربستان قرار گیرند؟ به نظر نمی‌سد چنین پیمانی ظرفیت اقدامات مجموعی را داشته باشد. در حال حاضر، توافق مکه می‌تواند شروعی برای امنیت منطقه‌ای متنوع‌تر قلمداد شود و ممکن است صرفا به‌عنوان یک تعهد سیاسی برای بازدارندگی باقی بماند و هرگز به یک اتحاد نظامی تمام‌عیار تبدیل نشود.

«نا»

گوی زبان، پیش از ما آموخته است که هیچ فقدانی، سرنوشت قطعی نیست. شاید راز ماندگاری انسان نیز همین باشد. ما تنها موجوداتی نیستیم که با کمبود روبه‌رو می‌شویم. تنها موجوداتی هستیم که می‌توانیم کمبود را به انگیزهٔ تبدیل کنیم. هر تمدنی که امروز ستایش می‌شود، روزی از دل نوعی نازاری برخاسته است؛ از نازاری میان آنچه بود و آنچه می‌توانست باشد. از این‌رو «نا» را نباید فقط نشانه نفی دانست. گاهی «نا»، آغاز پرسش است؛ و هر پرسش صادقانه، نخستین گام به سوی پاسخ. هر نازاری، اگر درست فهمیده شود، دعوتی است برای بازآفرینی تعادل؛ نه دلبلی برای تسلیم. شاید جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به بازگشت ترازها نیاز دارد؛ تراز میان انسان و طبیعت، میان دانایی و عمل، میان سرعت و درنگ، میان بهره‌بردن و پاسداری‌کردن. این ترازها نه با معجزه، بلکه با انتخاب‌های کوچک و پیوسته ساخته می‌شوند. پس اگر این روزها «نا» بر زبان‌ها بسیار جاری است، شاید برای آن باشد که قدر «آری» را بیشتر بدانیم؛ آری به تعادل، آری به مسئولیت، آری به امید؛ زیرا سرنوشت واژه‌ها را انسان‌ها می‌نویسند؛ و شاید بزرگ‌ترین پیروزی انسان آن روز باشد که «نا» را از سرنوشت خود بردارد و دوباره زندگی را با «آری» آغاز کند.

ببینید، متأسفانه ما در استفاده از همین دارایی‌های راهبردی‌مان نیز همیشه عملکرد مناسبی نداشته‌ایم و گاهی به جای اینکه از این ظرفیت‌ها برای افزایش قدرت چانه‌زنی و تأمین منافع ملی استفاده کنیم، آنها را به شکلی مصرف کرده‌ایم که بخشی از ارزش راهبردی‌شان کاهش پیدا کرده است. اگر بخواهیم مثالی از وضعیت امروز بنزیم، تنگه هرمز یکی از برجسته‌ترین دارایی‌های راهبردی ایران است. ارزش واقعی این دارایی فقط در این نیست که ما بتوانیم آن را ببندیم یا از آن به‌عنوان یک ابزار عملیاتی استفاده کنیم؛ ارزش اصلی آن در این است که جهان و حتی دشمنان ما همواره احتمال بسته‌شدن آن را در محاسبات خود لحاظ کنند. همین احتمال، بدون آنکه الزاما به مرحله اقدام برسد، می‌تواند برای ایران قدرت و بازدارندگی ایجاد کند. در واقع، آنچه برای ما بازدارندگی می‌آورد، «ابهام کنترل‌شده» است، نه مصرف هیجانی این اهرم ژئوپلیتیکی. دارایی راهبردی زمانی بیشترین ارزش را دارد که طرف مقابل مجبور باشد آن را در محاسبات خود جدی بگیرد، نه اینکه ما برای اثبات قدرت خود، دائما آن را به مصرف برسانیم. این نکته از این جهت اهمیت دارد که ژئوپلیتیک نیز مانند اقتصاد، قانون «استهلال» دارد. همان‌گونه که در اقتصاد اگر یک دارایی در دست مدیریت نشود، به تدریج بخشی از ارزش و کارکرد خودش را از دست می‌دهد، در ژئوپلیتیک هم چنین قانونی وجود دارد. بعضی از مزیت‌های جغرافیایی و راهبردی اگر به شکل درست مورد استفاده قرار نگیرند یا بیش از اندازه مصرف شوند، در طول زمان می‌توانند بخشی از ارزش خودشان را از دست بدهند. جهان منظر ایران نخواهد ماند. این مسئله باید در محاسبات ما جدی گرفته شود. در نهایت، هرچه زمان بگذرد، دیگران برای مشکلات و نیازهای خود مسیرهای جایگزین پیدا خواهند کرد؛ برای انتقال انرژی، خطوط لوله جدید ایجاد می‌کنند، بنادر جدید می‌سازند و کریدورهای ترانزیتی تازه‌ای را توسعه می‌دهند. ممکن است این مسیرها امروز هزینه‌بر باشند، اما وقتی ضرورت ایجاد شود، کشورها برای پیداکردن راه‌های جایگزین سرمایه‌گذاری می‌کنند و به تدریج از محدودیتی که امروز برای آنها وجود دارد، عبور خواهند کرد. بنابراین، در شرایطی که ما در یک جنگ فرسایشی قرار داریم، باید به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم از مزیت جغرافیایی ایران یک مزیت شبکه‌ای ایجاد کنیم. یعنی این موقعیت جغرافیایی را به مجموعه‌ای از ارتباطات اقتصادی، ترانزیتی و انرژی تبدیل کنیم که دیگران نیز در حفظ و استمرار آن ذی‌نفع باشند. این بسیار بهتر است از اینکه بخواهیم صرفا از این مزیت به‌عنوان یک اهرم فشار استفاده کنیم. اگر این دارایی را به شکل هیجانی و کوتاه‌مدت مصرف کنیم، بخشی از ارزش ژئوپلیتیکی آن را از دست خواهیم داد. به همین دلیل تاکید می‌کنم که باید عاقلانه‌تر نگاه کنیم، آینده را درست ببینیم و اجازه ندهیم مجموعه‌ای از حرکات هیجانی، بار دیگر ما را به سمت تصمیمات غلط سوق دهد. در سیاست خارجی، گاهی مهم‌ترین هنر این است که بدانیم یک دارایی راهبردی را چگونه حفظ کنیم تا ارزش آن در آینده نیز برای کشور باقی بماند.

❌ میان سخنان شما یک پرسش مهم و شاید بنیادی شکل می‌گیرد: آیا در سیاست‌گذاری راهبردی ما، در مقاطعی «هدف» و «ابزار» دچار جابه‌جایی نشده‌اند؟ آیا بخشی از استهلاک سرمایه‌ها و دارایی‌های راهبردی کشور، ناشی از همین خطای محاسباتی نیست؛ یعنی آنچه قرار بوده ابزار دستیابی به یک هدف بزرگ‌تر باشد، خود به‌دلیل تبدیل شده و حفظ آن، به غایتی مستقل از منافع نهایی کشور بدل شده است؟ برای مثال، در ماجرای پنج گام کاهش تعهدات برجامی در دولت روحانی، غنی‌سازی ۶۰ درصدی اساسا قرار بود یک کارت بازی و اهرم فشار برای دستیابی به یک نتیجه سیاسی و دیپلماتیک باشد؛ همان‌گونه که موقعیت ژئوپولیتیکی تنگه هرمز نیز قاعداً باید ابزاری برای افزایش قدرت چانه‌زنی و تأمین منافع ملی ایران باشد، نه هدفی فی‌نفسه. اما امروز به نظر می‌رسد هم غنی‌سازی ۶۰ درصدی و هم تنگه هرمز از جایگاه «ابزار» فاصله گرفته و در برخی روایت‌ها به موضوعاتی حیثیتی و حتی ناموسی تبدیل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گویی حفظ خود ابزار، بر نتیجه‌ای که قرار بود از طریق آن حاصل شود، اولویت پیدا کرده است.

من این‌طور پاسخ شما را بدهم که اتفاقا این وظیفه آقای پزشکیان است حرکتی را که در سطح جهانی و با امضای تفاهم‌نامه با آمریکا در مسیر مناسبی دنبال کرده‌اند، ادامه دهند و با همکاری مجلس بتوانند این تفاهم‌نامه را مجدداً احیا کنند و به نتیجه برساند. به نظر من، این فرصتی است که نباید اجازه بدهیم دوباره از دست برود. این تفاهم‌نامه در شرایطی شکل گرفت که توانست یک مسیر جدیدی را برای مذاکره و تفاهم ایجاد کند و اگر بتوانیم آن را دوباره به جریان بیندازیم، می‌تواند زمینه را برای رسیدن به توافق نهایی فراهم کند. بنابراین دولت باید با همکاری مجلس، هم بر اجرای آن اصرار کند و هم تلاش کند موانعی را که در این مسیر ایجاد شده‌اند، برطرف کند. مهم این است که این حرکت متوقف نشود و بتواند در نهایت به یک توافق نهایی برسد؛ توافقی که برای آینده ایران بسیار مهم است و می‌تواند کشور را از این وضعیت فرسایشی خارج کند. صداالبته باید نظرات و تاکیدات رهبر انقلاب هم لحاظ شود.

❌ با این اوضاع و احوال کشور، روند مدنظر شما قدری زمان‌بر نیست؟

همان‌طور که می‌دانید، در گذشته و پس از آنکه ما از بیانیه سعدآباد خارج شدیم، حدود ۱۳ سال طول کشید تا برجام به امضا برسد. اما این بار تقریباً در عرض چند



حسن روحانی

علی خامنه‌ای

محمد باقر

هفته مذاکره انجام شد و به این بیانیه و تفاهم‌نامه با آمریکا رسیدیم. پس می‌توان سریع و در عین حال دقیق عمل کرد. به نظر من، این مسئله تا حدودی ناشی از شیوه تصمیم‌گیری ترامپ بود.

❌ چطور؟

چون ترامپ این تفاهم‌نامه با ایران را در داخل سیستم تصمیم‌گیری آمریکا به صورت معمول و مرحله‌به‌مرحله پیش نبرد، بلکه شخصا تصمیماتی را می‌پذیرفت و اجرا می‌کرد. به همین دلیل به نظر من این تفاهم‌نامه، تفاهم‌نامه خوبی بود که از سوی آقای دکتر پزشکیان، مستقیماً با شخص ترامپ نیز امضا شد و می‌توانست مسیر مناسبی را برای ادامه مذاکره و رسیدن به یک توافق نهایی ایجاد کند. اما مسئله این است که از اینجا به بعد باید بر سر احیا و اجرای مفاد آن اصرار شود و اجازه ندهیم فرصتی که در طول چند هفته ایجاد شده، دوباره از بین برود. ما دیدیم که تفاهم‌نامه‌ای که در طول چند هفته به نتیجه رسیده بود، ناگهان ظرف دو روز پاره شد.

❌ در تهران که علت اصلی پاره‌شدن تفاهم‌نامه را زیر پا گذاشتن تعهدات و مفاد آن (تفاهم‌نامه) از سوی خود آمریکایی‌ها می‌دانند؛ شما چه برداشتی دارید؟

به اعتقاد من، به هر دلیل نباید چنین اتفاقی می‌افتاد و نباید تفاهم‌نامه به این وضع می‌رسید؛ چون وقتی یک مسیر دیپلماتیک ایجاد می‌شود، حتی اگر اختلافات جدی از سوی هر طرف وجود داشته باشد، باید تلاش کرد آن مسیر حفظ شود و از طریق مذاکره و گفت‌وگو، اختلافات را مدیریت کرد، نه اینکه نتیجه هفته‌ها و حتی ماه‌ها تلاش دیپلماتیک را یکباره کنار بگذاریم. دیپلماسی، ممارست و تلاش می‌خواهد و نمی‌توان انتظار داشت در یک یا دو جلسه، همه اختلافات حل شود و به نتیجه نهایی برسیم. طبیعت مذاکره این است که طرفین در بعضی موارد به تفاهم می‌رسند و در بعضی موارد اختلاف باقی می‌ماند و باید برای حل آن اختلافات دوباره مذاکره کرد. مهم این است که اصل مسیر حفظ شود و اجازه ندهیم اختلافات مقطعی، اصل امکان گفت‌وگو را از بین ببرد. اگر قرار باشد هر بار با ایجاد اختلافات مقطعی، اصل امکان گفت‌وگو را از بین ببرد، این بسیار بهتر است از اینکه بخواهیم صرفا از این مزیت به‌عنوان یک اهرم فشار استفاده کنیم. اگر این دارایی را به شکل هیجانی و کوتاه‌مدت مصرف کنیم، بخشی از ارزش ژئوپلیتیکی آن را از دست خواهیم داد. به همین دلیل تاکید می‌کنم که باید عاقلانه‌تر نگاه کنیم، آینده را درست ببینیم و اجازه ندهیم مجموعه‌ای از حرکات هیجانی، بار دیگر ما را به سمت تصمیمات غلط سوق دهد. در سیاست خارجی، گاهی مهم‌ترین هنر این است که بدانیم یک دارایی راهبردی را چگونه حفظ کنیم تا ارزش آن در آینده نیز برای کشور باقی بماند.

❌ از آغاز مصاحبه تصور می‌کنم که قدری خوش‌بینانه و آرزومدارانه به موضوعات نگاه دارید. بگذارید بای به واقعیات هم بگذاریم. یکی از مسائل مهم داخلی، موضوع بنزین و اصلاحات مرتبط با قیمت و نظام توزیع آن است. حتما خبرهای توزیع بنزین ۸۷ هزار تومانی با نرخ تمام‌شده پالایشگاهی به گوش‌تان خورده است؛ آن‌هم در شرایطی که ما تجربه به‌شدت تلخ ای ماه‌ها سال گذشته و همچنین تجربه تلخ آبان ۱۳۹۸ را در ذهن داریم. با توجه به شرایط جنگی، وضعیت دشوار معیشتی مردم و حساسیت اجتماعی این مسئله، عملکرد دولت و میزان هوشمندی آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا در چنین شرایطی اساسا اجرای اصلاحات قیمتی در حوزه بنزین را درست می‌دانید؟

این حرکتی که الان مطرح شده، هنوز به معنای اجرای طرح سراسری نیست. آنچه درباره نرخ ۸۷ هزار تومان انجام شد، یک موضوع آزمایشی برای یک استان بود و به نظر بیشتر برای حل مسئله قاچاق در شرق کشور در حال آزمایش بود و اکنون نیز به نظر می‌رسد متوقف شده است.

❌ بله، برای یک استان بود، اما آثار روانی‌اش بر کل ایران سایه انداخته است. ضمناً اصلاحات قیمتی و سهمیه‌ای را در سر دارد؛ پس این نکات را هم در معادلات مان بگنجانیم که راه‌حل خروج کشور فوری است.

من که از اول بحث بر همین نکته تاکید کرده و می‌کنم، به همین دلیل است که گفتیم اگر به سمت اجرای تفاهم‌نامه‌ای که آقای پزشکیان آن را امضا کرده‌اند، برویم و امیدهایی برای اجرای آن فراهم شود، می‌توان برخی اصلاحات را نیز در همین

برزخ تصمیم

چارچوب انجام داد، یعنی وقتی بتوانیم بخشی از فشارهایی را که امروز بر کشور وجود دارد، کاهش بدهیم و افقی روشن‌تر برای اقتصاد و آینده کشور ایجاد کنیم، آن وقت انجام اصلاحات اقتصادی هم می‌تواند با هزینه و فشار کمتری برای مردم همراه باشد.

اما در شرایط فعلی، به نظر من اجرای چنین طرحی برای اصلاحات قیمتی و سهمیه‌ای بنزین و دیگر اصلاحات اقتصادی و معیشتی صحیح نیست؛ چون اکنون بیشترین فشار روی سفره و شانه‌های مردم است. نمی‌توان فشار بیشتری هم بر جامعه وارد کرد. این کار تبعات دارد. وقتی کشور در شرایط تحریم و محاصره قرار دارد و به قول آقای دکتر پزشکیان، تأمین زنجیره نیازهای کشور سخت‌تر شده است، نمی‌توان بدون توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم، فشارهای جدیدی ایجاد کرد. اول باید شرایط را مدیریت کنیم و بعد سراغ اصلاحات برویم. من از اول مصاحبه هم گفتم که باید تصمیم گرفت، باید به دنبال راه‌حل و راه خروج بود. اتفاقاً هنر سیاست‌مداران امروز ما باید این باشد که چگونه ایران را از جنگ و این وضعیت فرسایشی خارج کنیم، بدون آنکه ارزش و اهمیت راهبردی ایران را هم بسوزانیم. این همان هنر تصمیم‌گیری است؛ اینکه هم کشور را از فشار خارج کنیم و هم دارایی‌های راهبردی‌مان را برای آینده حفظ کنیم.

❌ پرسش مهم‌تر درباره ترکیب جدید ساختار نظامی و امنیتی کشور است. برخی معتقدند تهران با این ترکیب جدید، عملاً وارد وضعیت آفندی شده و چهره‌هایی که اکنون در موقعیت‌های رسمی قرار گرفته‌اند، نشانه تغییر رویکرد و حتی تغییر دکترین هستند. برخی دیگر معتقدند تغییر محسوسی رخ نداده است. ارزیابی شما چیست؟ آیا واقعا شاهد یک تغییر معنادار در آرایش تصمیم‌گیری کشور هستیم؟

نه، این چهره‌ها همیشه حضور داشته‌اند؛ اکنون صرفاً رسمی‌تر شده‌اند. به نظر من اتفاق جدیدی رخ نداده است. تمام چهره‌هایی که اکنون نام آنها مطرح شده، پیش از این نیز در مسیر تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند. اکنون احکام و مسئولیت‌های آنها تثبیت و اعلام شده است و نباید تصور کرد که تغییر بنیادینی در افراد یا رویکردها اتفاق افتاده است.

❌ اما حضور محسن رضانی در شورای عالی امنیت ملی یا حضور حسین طائب در ساختار بسیج، نمی‌تواند به تغییراتی در روند تصمیم‌گیری و جهت‌گیری‌های کلان منجر شود؟

آقای محسن رضانی که پیش از این نیز حضور داشته‌اند و همواره به‌عنوان مشاور رهبر شهید انقلاب فعالیت کرده‌اند.

❌ بله و حدود ۲۴ سال نیز در کنار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور داشتند.

بله، به هر حال افرادی که اکنون در این ساختارها حضور دارند، عموماً همان کسانی هستند که پیش از این نیز در فرایندهای تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند و با مسائل و موضوعات راهبردی کشور بیگانه نیستند. اکنون تا حدودی حضور و جایگاه آنها تثبیت شده است و به نظر من، از یک نظر می‌تواند این مسئله مثبت باشد؛ زیرا حضور این افراد، با توجه به اعتمادی که درباره آنها وجود دارد، شاید بتواند ارتباط شورای عالی امنیت ملی با رهبر انقلاب را تقویت کند و یک مسیر تصمیم‌گیری منسجم‌تری ایجاد شود. از این نظر مجدداً تاکید می‌کنم که آقای پزشکیان و آقای قالیباف باید از این فرصت استفاده کنند و در شورای عالی امنیت ملی، بحث‌های عاقلانه، کارشناسی و مبتنی بر واقعیت را پیش ببرند و به نتیجه برساند. مهم این است که موضوعات در آنجا به صورت جدی بررسی شود، دیدگاه‌های مختلف مطرح شود و در نهایت نتایج با آرای بالا در اختیار رهبر انقلاب قرار بگیرد تا ایشان درباره آن تصمیم‌گیری کنند. این می‌تواند کمک کند که تصمیمات، پشتوانه کارشناسی و اجماع بیشتری داشته باشد. در گذشته، در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز تقریباً همین‌گونه عمل می‌شد. جلساتی به ریاست آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل می‌شد که در آنها شاید حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر حضور داشتند. مباحث مطرح می‌شد، دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌شد و پس از انجام بحث‌ها، براساس نظر اکثریت تصمیم‌گیری می‌شد. حتی بیانیه سعدآباد نیز به همین شکل مورد تصمیم‌گیری قرار گرفت و در نهایت همه پذیرفتند که این بیانیه امضا شود. به نظر من می‌توان از همان تجربه برای شرایط امروز هم استفاده کرد.

❌ به‌عنوان پرسش پایانی، اگر بخواهیم تمام بحث‌های مطرح‌شده را جمع‌بندی کنیم، ارزیابی شما از مسیر پیش‌روی کشور چیست؟ آیا به سمت مذاکره خواهیم رفت؟ آیا همچنان در چرخه فرسایشی جنگ و مذاکره باقی خواهیم ماند یا امکان حرکت به سمت یک جنگ دیگر وجود دارد؟ به‌طور مشخص، شما آینده این وضعیت را چگونه می‌بینید؟

من امیدوارم به سمت احیا و اجرای همین تفاهم‌نامه برویم.

❌ روی بیم با امید دارید که برویم؟

هم امید دارم که برویم و هم باید برویم؛ چون به نظر من راه دیگری نداریم، باید به این سمت حرکت کنیم و از این وضعیت و چرخه جنگ فرسایش و بازتولید جنگ تحمیلی دیگر بر کشور جلوگیری کنیم، ان‌شاءالله.

۹	۳	۸			
					۷
۶	۳	۴	۱		۷
۶		۱		۸	
۲	۳	۸	۶	۹	۱
			۹		۴
			۲	۱	۶
					۹
			۸	۱	
					۳

۳					
				۵	
	۹	۶		۴	۶
۳		۴	۲		۷
			۱	۹	۶
			۸	۶	۲
			۳	۸	۲
			۲		

 سودوکو سخت ۴۳۷۸ زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه قانون‌های حل جدول سودوکو - در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود. - در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲	۱	۴	۷	۳	۹	۸	۵
۵	۹	۸	۴	۱	۲	۷	۳
۴	۳	۸	۶	۹	۱	۷	۵
۶	۷	۳	۹	۵	۸	۲	۱
۸	۵	۶	۲	۷	۳	۱	۴
۱	۲	۷	۵	۳	۸	۴	۶
۳	۶	۵	۱	۸	۲	۴	۷
۷	۴	۲	۸	۱	۵	۳	۶

 سودوکو ساده ۴۳۷۸ زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه سودوکو سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳							
	۶						
		۲		۴			
			۷				
۶					۹		
			۸	۶		۲	

حل سودوکو ۴۳۷۷

۲	۱	۴	۷	۳	۹	۸	۵
۵	۹	۸	۴	۱	۲	۷	۳
۴	۳	۸	۶	۹	۱	۷	۵
۶	۷	۳	۹	۵	۸	۲	۱
۸	۵	۶	۲	۷	۳	۱	۴
۱	۲	۷	۵	۳	۸	۴	۶
۳	۶	۵	۱	۸	۲	۴	۷
۷	۴	۲	۸	۱	۵	۳	۶

۵	۷	۱	۸	۶	۲	۹	۳	۴
۴	۹	۳	۲	۱	۵	۸	۶	
۸	۲	۶	۳	۹	۵	۷	۱	۴
۷	۱	۴	۸	۳	۶	۵	۹	
۹	۶	۵	۴	۱	۷	۳	۲	۸
۳	۸	۲	۹	۵	۶	۴	۷	۱
۲	۴	۸	۵	۷	۹	۱	۶	۳
۱	۵	۹	۶	۳	۲	۸	۴	۷
۴	۳	۷	۱	۴	۸	۲	۹	۵

حل جدول ۵۳۸۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۹	۶	۳	۲	۸	۴	۷	۱	۳	۶	۵	۴	۲
۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹	۱	۵	۳	۷	۴
۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹	۱	۵	۳	۷
۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹	۱	۵	۳
۵	۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹	۱	۵
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹	۱
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲	۹
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶	۲
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴	۷	۵	۳	۸	۶

افقی:

۱- کاستی- گروهی از مردم- مورد نیاز روز بارانی
۲- تکرارش دهان‌سوز می‌شود- باردار- هر نوع بیماری دردناک مفصلی
۳- خوشگذران- بازخور- پایانی
۴- زهری کشنده- پیداکردن- دوتا نون
۵- لیکن- سزاوار-

از الفبای انگلیسی
۶- ساقه خوراکی ترش و شیرین- در هر زمان- حرص
۷- در خانه صاحبش شیر است- نوعی لباس بچه- رد‌ها
۸- ماشین کابرداری- خدانشناس- پودر دستگاه پرینتر
۹- پیاله‌گردان- کلی زیبا- ضمیر جمع
۱۰- قصد و آهنگ- انتشار یافته- صبا منزل ... گذر درخ مدار
۱۱- پیشوا- از گران‌ترین خرماهای ایران- طعم
۱۲- اصل هر چیز- رهبر حزب نازی- توجه و دقت نظر
۱۳- از ملزومات ماهیگیری- سروصد- در مقام استجابت دعا گویند
۱۴- سخن کنایه‌آمیز- مستبد- خواهر کوچک‌تر خانواده برنوته
۱۵- سال- برادر کمبوجیه- مخفی و پنهان

عمودی:

۱- سود- شیر بیشه- پاک‌تر
۲- غذای دریایی خوشمزه بوشهری- حروف ادغام در زبان عربی
۳- زبانه آتش- فرمان دوچرخه- رشته‌ای در شمشیربازی
۴- اعضای داخلی بدن- دستگیرشدگان- صوت تحسین و خوشحالی
۵- رمق آخر- شریک زندگی- سالی که مبنای آن گردش ماه به دور زمین است- از اندام گفتاری
۶- تهدیدست- اشاره به نزدیک- بی‌باکی
۷- واضح و آشکار- اقتر- چاق و چله
۸- شاعر فقید معاصر و سراینده غزل مرگ قو
۹- پاینده- قدرت- لایه فیروزه‌ای پیرامون زمین
۱۰-